

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهپایان

سال شانزدهم، شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۱

صفحه ۱۹۱ تا ۲۰۸

نقش احزاب سیاسی در تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

یونس روشنی / دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران،
younas.roshany44@gmail.com

ارکان شریفی / استادیار گروه حقوق عمومی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران، نویسنده مسؤل،
arkansharifi@gmail.com

هانسه فرکیش / استادیار گروه حقوق عمومی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران،
hanehfarkish@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی نقش احزاب سیاسی در تأمین منافع ملی ج.ا. ایران بپردازد. سؤال این است که احزاب سیاسی از چه راههایی می‌توانند باعث تأمین منافع ملی شوند؟ پاسخی که می‌توان ارائه کرد این است که بر مبنای رویکردهای مطرح شده درباره نقش و کارویژه احزاب از جمله نظریه هنجاری، احزاب سیاسی در ج.ا. ایران، می‌توانند عاملی برای ترویج معنویت و کرامت، تلاش برای کسب قدرت، حساس کردن نهادهای نظارتی برای انجام امور محوله نظیر نظارت مجلس بر قراردادهای بین‌المللی با سایر کشورها، دفاع از کثرت‌گرایی موجود در جامعه و حمایت از آن بر مبنای اصول قانون اساسی و همچنین ایجاد اتحاد و همبستگی میان آحاد جامعه را در دستور کار خود قرار دهند. احزاب سیاسی در جامعه ایرانی زمانی می‌توانند فعال باشند که از نقش آمرانه دولت در زمینه نظارت مستقیم بر احزاب کاسته شود و ماده ۱۰ کمیسیون نظارت بر احزاب نیز برای آزادی عمل بیشتر احزاب سیاسی، رویکرد مداخله جویانه را کنار گذاشته و زمینه را برای نقش‌آفرینی بر مبنای پذیرش قانون اساسی فراهم نماید. منافع ملی هم منافع مادی و تلاش برای کسب قدرت و هم در نظر گرفتن معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه را شامل می‌شود که نقشه راهی برای نقش‌آفرینی احزاب سیاسی در جهت تأمین منافع ملی است. روش پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی است.

کلیدواژه: احزاب سیاسی، منافع ملی، ج.ا. ایران، نظریه هنجاری.

تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۱/۱۸

مقدمه

بنابه جایگاه و اهمیتی که احزاب در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه بشری دارد، امروزه به جز کشورهایی محدود و انگشت‌شمار، تمامی کشورهای دنیا از موج وجود احزاب سیاسی بی‌نصیب نمانده‌اند. کشورهایی که در آن‌ها احزاب اجازه‌ی فعالیت قانونی در چارچوب سیاست‌های کشور را ندارند، از کانال جناح‌های سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ، اصناف، و حتی باند (باندیتسم)، و در مواردی نیز از طریق تشکیل گروه‌های زیرزمینی و چریکی بروز و ظهور می‌یابند. احزاب چنان واقعیتهای ملموس و اکثرهای (بازیگر) فعالی در بازی سیاسی ایفا می‌کنند، که قوانین اساسی کشورها، بخشی از اصول قانون اساسی خود را بدان اختصاص داده‌اند، و حتی در عرصه بین‌المللی نیز مسئله احزاب سیاسی و اهمیت آن برای حیات دموکراسی‌ها منعکس شده است. بنابراین احزاب سیاسی به عنوان بخش گریزناپذیر سیاست معاصر در امور مختلفی از جمله نظارت بر عملکرد حاکمان سیاسی و تلاش برای کسب قدرت شناخته می‌شوند.

با این اوصاف، سیاست‌ورزی بر مبنای حضور احزاب سیاسی در نهایت حمایت از منافع ملی را مورد توجه قرار می‌دهد که ممکن است در جوامع مختلف، نمودهای متنوعی داشته باشد. به عنوان مثال، در بخشی از جوامع، مسأله اقتصاد در مرکز مطالبات مردم قرار دارد و به همین دلیل احزاب با گرایش‌های اقتصادی بسیار مورد توجه هستند. از طرفی دیگر، در برخی دیگر از جوامع مسائل مذهبی و قومی-زبانی مطرح است که در همین راستا نیز احزاب سیاسی شکل می‌گیرند. از طرفی دیگر، منافع ملی در واقع دارای ابعاد داخلی و خارجی است؛ از منظر داخلی به معنای توجه به سیاست داخلی کشور و رشد و ارتقای آن در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. درباره منافع ملی در داخل، بیشتر عباراتی نظیر منافع عموم، مصلحت کشور، جامعه و... مورد استفاده قرار می‌گیرد (صالحی و رضوی، ۱۳۹۶: ۱۳۱). اما در بُعد خارجی نیز توجه به مسائل فرامرزی و حفظ پرستیژ و ارتقای آن در نظام بین‌المللی مورد توجه است. بنابراین از ضرورت‌های پژوهش حاضر این است که به بررسی نقش احزاب سیاسی در تأمین منافع ملی از حیث داخلی می‌پردازد و بر کارکردهای داخلی احزاب در جامعه ایرانی تأکید می‌نماید.

نوآوری پژوهش حاضر نیز بررسی نقش احزاب سیاسی از منظر هنجاری و پیوند دادن آن با منافع ملی است که در پژوهش مستقلی به بحث گذاشته نشده است. به عبارتی دیگر، این ایده مطرح می‌شود که احزاب سیاسی به دلیل خاستگاه هنجاری و ارزشی خاصی که

در جوامع مختلف دارند، ترجمان منافع ملی آن جامعه نیز می‌باشند و یا باید باشند. احزابی که خود را از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه جدا می‌بینند و منافع گروهی و جناحی را در رأس فعالیت‌های خود قرار می‌دهند، توانایی دفاع از منافع ملی را ندارند.

۱-۱. پیشینه تحقیق

تحقیقات زیادی درباره نقش و جایگاه احزاب سیاسی در ایران انجام شده است که اهم آنان به شرح زیر است: در مقاله زیباکلام و مقتدایی (۱۳۹۳) با عنوان «احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی؛ مطالعه موردی انتخابات» نیز نقش احزاب در دوره حوزه مقطعی و حقیقی مورد توجه قرار گرفته است که به نوعی آسیب‌شناسی احزاب در جمهوری اسلامی نیز محسوب می‌شود. از این‌رو، مشارکت سیاسی هنگامی معنای واقعی به خود می‌گیرد که احزاب کارکرد درازمدت و بنیانی را بر عهده بگیرند. خوش‌چهره و عظیمی شوشتری (۱۳۹۴)، نیز به در پژوهش مشترک با عنوان «منافع ملی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از منظر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی دیدگاه‌های گوناگون اعم از رئالیستی، لیبرالی و اسلامی در زمینه منافع ملی پرداخته‌اند و در نهایت چنین نتیجه گرفتند که منافع ملی در واقع ارزش‌ها و اصول بنیادین اسلامی اعم از مادی و معنوی هستند که در اسلام بیان شده و در قانون اساسی نظیر اصول دوم، سوم، چهارم و اصل پنجاه و ششم نیز تجلی یافته است. عباس شادلو (۱۳۸۷) در اثر خود «احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز» یکی از جامع‌ترین آثار را در حوزه بررسی سیر تاریخی احزاب در تاریخ معاصر انجام داده است که بر نقش شخصیت‌های مؤثر، گرایش احزاب، تعلقات سیاسی و اجتماعی آنان و همچنین چگونگی ظهور و سقوط آنان توجه نشان داده است. اخوان کاظمی (۱۳۸۷)، نیز در مقاله «تحزب در اندیشه رهبران جمهوری اسلامی» به تبیین دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است و چنین نتیجه گرفت که کارکرد احزاب در ایران به دلایل تاریخی و فرهنگی چندان کارآیی مطلوبی نداشته‌اند. اما راه مؤثر کارآمد شدن احزاب در اندیشه امام و رهبری، سازگاری رویکردهای احزاب با آرمان‌های انقلاب و دین اسلام است. مهدیزاده (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان «مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی احزاب سیاسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی جایگاه حزب در سیاست معاصر و از جمله جایگاه آن در قانون اساسی ج.ا. ایران می‌پردازد. به عقیده نویسنده، اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی با دفاع از

آزادی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مشروع می‌توانند پشتوانه حقوقی برای گسترش احزاب در کشور به شمار روند.

پژوهش‌های بالا هر کدام بر نقش احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و گفتمان انقلاب اسلامی توجه نشان می‌دهند، اما آنچه باعث تمایز پژوهش حاضر از پژوهش‌های بالا می‌شود، توجه به کارکردهای احزاب سیاسی در عرصه تأمین منافع ملی است که بیش از همه در زمینه‌های داخلی مورد توجه قرار می‌گیرد. نظریه هنجاری به عنوان مبنای پژوهش حاضر و بررسی کارویژه‌های احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه است.

۱-۲. روش تحقیق

روش و ماهیت مربوط به تحقیق مورد نظر از نوع کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی - توصیفی می‌باشد. بدین شیوه که در پژوهش حاضر با استفاده از منابع حقوقی و قوانین مصوب در زمینه احزاب، دیدگاه اندیشمندان علوم سیاسی و در نهایت رویه‌هایی که در عمل توسط دولت مرکزی در ارتباط با احزاب اتخاذ می‌شود، نسبت به جمع‌آوری داده‌ها اقدام شده است. همچنین مانیفست و اساسنامه احزاب سیاسی، استفاده کتاب‌ها، مقالات، دیدگاه رهبران حزبی، سایت‌های اینترنتی، قوانین مصوب پارلمان (مجلس)، آیین‌نامه‌های هیأت وزیران و قوه مجریه، بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۲. چارچوب نظری تحقیق؛ نظریه هنجاری

فرهنگ [علوم سیاسی] آکسفورد در تعریف حزب می‌نویسد: «حزب سازمان سیاسی است که مردم در انتخابات به نفع آنان رأی داده و اعضای آن دارای اهداف و دیدگاه‌های مشابهی هستند»^۱ اما به واقع حزب سیاسی، تعریف‌های متفاوتی را به خود گرفته است. برخی از نظریات، رقابت و تلاش برای قدرت را کارویژه اساسی احزاب می‌دانند. در یکی از نظریات بیان شده است که جریان مستمر فعالیت‌های حزبی که نقطه اوج آن برگزاری انتخابات ادواری است شهروندان را در رابطه شهروندی و نقش مشارکتی خویش پابرجا نگه می‌دارد (پول و آلموند، ۱۳۷۵: ۲۶). آلن بال نویسنده کتاب *سیاست مدرن و حکومت* بیان می‌کند که مهم‌ترین وظیفه و کارکرد احزاب سیاسی متحد کردن مردم و با ثبات

^۱ -Oxford Advanced Learners Dictionary, Published by, Oxford University Press, 7th edition, P, 1105.

کردن عرصه‌ی سیاسی کشور است (Ball, 1981: 51). نظریه اخیر به مهم‌ترین کارویژه احزاب سیاسی در غرب اشاره دارد که روند زندگی خشونت‌آمیز را با فرهنگ مسالمت-آمیز جایگزین نمودند. برخی دیگر از نظریات از جمله نظریه مرکب بر وجه اجتماعی احزاب و ترویج فرهنگ تبدیل تقاضا به خواسته مسالمت‌آمیز از سوی احزاب سیاسی تأکید می‌کنند. از این منظر، کارکرد احزاب شامل این موارد است: ادغام اجتماع مجامع و جمعیت‌ها از طریق آشتی تقاضاهای گروهی یا ایجاد یک نظام مشترک عقیدتی و ایدئولوژیک است (نقیب زاده، ۱۳۹۳: ۹۶).

نظریه مرتن نیز بیان می‌دارد که کارکرد احزاب، برقراری پیوند روانی و مادی بین فرد و سیستم سیاسی؛ جذب تازه واردان به سیستم؛ مسالمت‌آمیز کردن رقابت‌های قدرت جویانه، یا مدیریت منازعه که باعث جلوگیری از رقابت‌های باندی و در نتیجه کاهش بروز تضادها و فساد سیاسی می‌گردد (جهانگیر و کاوه پیش‌مقدم، ۱۳۹۶: ۲۶). فرانک جی. سوراف در کتاب تحت عنوان "نظام حزبی آمریکا" وظیفه‌ی احزاب را در فعالیت‌های انتخاباتی محدود می‌سازد، و حزب را دستگاهی برای کنترل و هدایت انتخابات معرفی می‌نماید (ایوبی، ۱۳۸۹: ۶۱). ادموند برک در تعریف حزب بیان می‌کند: هیأتی از مردم است که به خاطر پیشبرد منافع ملی با کوشش مشترک بر اساس برخی اصول سیاسی مورد توافق، متحد شده‌اند (عالم، ۱۳۹۰: ۳۴۳). از نظر گتل: حزب سیاسی مرکب از گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان‌یافته است که به عنوان یک واحد سیاسی عمل می‌کنند و با استفاده از حق رأی خود می‌خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاست‌های عمومی خود را عملی سازند (همان منبع). آنتونی داونز: در وسیع‌ترین معنا یک حزب سیاسی ائتلافی از انسان‌ها است که در پی کسب مهار دولت از طریق قانونی هستند (کروتی و کاتز، ۱۳۹۵: ۱۹). ویلیام نیسبت: یک حزب سیاسی را در معنای مدرن آن می‌توان یک تشکل اجتماعی نسبتاً با دوام در نظر آورد که در پی کسب مناصب و یا قدرت در حکومت است. حزب، ساختار یا سازمانی را به نمایش می‌گذارد (همان: ۲۰).

موریس دوورژه از پیشکسوتان عرصه مطالعات احزاب بدون این که تعریفی از حزب سیاسی ارائه بدهد، حزب را بدین گونه به وصف می‌کشد: این سازمان‌ها گروه‌بندی‌های سازمان‌یافته، منظم و مرتبی هستند که برای مبارزه در راه قدرت ساخته شده‌اند و منافع و هدف‌های نیروهای اجتماعی گوناگونی را (طبقات، واحدهای محلی، دسته‌های نژادی، جماعتی دارای منافع ویژه) بیان می‌کنند و خود هم به درستی وسیله کارکرد سیاسی آنان

می‌باشند (دوورژه، ۱۳۸۶: ۱۶۱). موریس دوورژه همچنین در کتاب رژیم‌های سیاسی ضمن در خطر قرار گرفتن دموکراسی و این که دموکراسی توسط قدرت‌های اقتصادی و مالی مضین و آراسته شده‌اند، احزاب کارگری را وزنه‌ای به حساب می‌آورد "که اجازه می‌دهد تشکیلات دموکراسی به ترتیب صریح‌تری اجرا شود (دوورژه، ۱۳۸۵: ۳۰). که البته این نگاه دوورژه مربوط به دوران فعالیت‌های پر خروش کمونیستی و سوسیالیست‌ها در عرصه جهان بود، یعنی دهه‌های ۱۹۶۰ که احزاب کارگری و کمونیستی دامن‌گیر فعالیت سیاسی کشورها بود.

کارویژه‌ها و تعاریف مطرح شده درباره احزاب هرچند می‌توانند بیانگر چارچوبی برای تشریح نقش احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران نیز باشند. اما باید بر این تعاریف، رویکرد هنجاری را نیز افزود که بر مبنای آن، احزاب می‌توانند بیانگر و نماینده خواسته‌ها و منافع معنوی و ارزشی جامعه باشند. کی لاوسون نماینده کارویژه هنجاری احزاب سیاسی است. به باور وی و بر مبنای تعریف هنجاری، احزاب سیاسی ترجمان اولویت‌ها، ارزش‌ها، باورها و آرمان‌های مورد اعتقاد شهروندان در قالب سیاست‌ها، برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها هستند. این نوع تعارف عمدتاً بر کارکردها یا فونکسیون‌های نمایندگی، یا آموزشی و تعلیمی تأکید دارند. بنابراین احزاب سیاسی را می‌توان جریان‌اتی در جستجوی یافتن برنامه‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی تازه برای بیان آرمان‌های شهروندان و تحقق این آرمان‌ها دانست (نوذری، ۱۳۸۱: ۹۷). بنابراین در افزودن مباحث به منافع ملی باید گفت که منافع ملی شامل ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه نیز می‌باشد. بدین معنا که احزاب سیاسی هرگز نمی‌توانند بدون در نظر داشتن رویه‌ها، اصول، قواعد و هنجارهای یک جامعه، فعالیت سیاسی نموده و یا در راستای تحقق آنان فعالیت نمایند. بنابراین ایجاد رویه مسئولیت‌پذیری، تعهدات اخلاقی و قانونی و عمل به هنجارهای اجتماعی بسیار حائز اهمیت هستند (اشرفی خیرآبادی، ۱۳۹۰: ۳۹). بدین ترتیب کارویژه احزاب می‌تواند شکل دادن به شیوه نگرش و اعتقادات پراکنده شهروندان در چارچوب باورها و ارزش‌های جامعه باشد. اگر احزاب در این زمینه بتوانند انتظارات را برآورده سازند، می‌توانند باعث اعتماد اجتماعی شوند، اگر هم نتوانند چنین کارویژه‌ای را به سرانجام برسانند، بی‌اعتمادی در جامعه شکل می‌گیرد (ساعی، ۱۳۹۰: ۱۸). از این منظر، کارویژه هنجاری احزاب در واقع توجه به اصول و معیارهای ارزشی جامعه و همسویی کارکرد احزاب با خواسته‌ها، هنجارها و منافع شهروندان است که ممکن است الزاماً منافع مادی و کسب قدرت نباشد.

نظریه هنجاری در عرصه تعریف کارکرد احزاب بر این باور است که سیاست، عرصه تلاش برای بهبود شرایط موجود بر مبنای تحولات هویتی، معنایی و همسو با منافع معنوی و ارزشی آن جامعه است. بر همین اساس در برخی از آثاری که به تشریح نظریه هنجاری پرداخته شد، این گونه بیان شده است که نظریه هنجاری بر خلاف ادعاهای منتقدانش، می‌تواند به ارائه روشی دقیق و آگاهانه برای طرح انتخاب‌های انسان‌ها در حوزه‌هایی از زندگی که می‌توانند به کاربرد کارگزاری آزادانه اخلاقی بپردازند، مبادرت ورزد. این نظریه تعیین می‌کند کدام تصمیمات در مورد آنچه برای انسان‌ها خوب است، باید به افراد به صورت خصوصی یا اجتماعات به شکل دسته‌جمعی واگذار گردد تا مطابق ترجیحاتشان، به تعیین آنها بپردازند (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۹۳). بنابراین بر مبنای نظریه مزبور بسیار مهم است که حل و فصل اختلافات می‌بایست با ابتناء بر رویه‌های معنایی و ارزش‌های یک جامعه استوار باشد. اصطلاحات و مفاهیم سیاسی در این رویکرد دارای بار ارزشی هستند و نمی‌توان به صرف تأمین منافع مادی جامعه، چشم بر واقعیات نامحسوس جامعه بست و آنان را نادیده گرفت. نظریه هنجاری با کیفیت زندگی شهروندان و تلاش برای بهبود آن از طریق تعیین ترجیحات آنان، اخلاق را به زندگی سیاسی وارد می‌سازد.

به طور مشخص باید گفت بر مبنای نظریه هنجاری، ترتیبات سیاسی باید به نحوی باشد که بتواند اخلاق و معنویت را در عرصه اداره جامعه حاکم نماید. به دیگر سخن، هدف این روش، به کارگیری گزاره‌های اخلاقی در زندگی سیاسی و مقولات سیاسی نظیر دولت، نهادهای سیاسی، آزادی و عدالت سیاسی است (قهرمان‌پور، ۱۳۸۲: ۷۱). این رویه هنگامی که درباره کارویژه نهادهای سیاسی از جمله احزاب به کار می‌رود، متضمن این معنا است که تلاش برای کسب قدرت، حفظ آن و همچنین کارکرد احزاب می‌بایست به نحوی باشد که بتواند اخلاق و معنویت را سرلوحه کار خود قرار دهد. همچنان که مفاهیم مهمی نظیر منافع ملی را نیز به کسب منافع مادی و قدرت صرف تقلیل نمی‌دهد. با توضیحات مطرح شده درباره نظریه هنجاری، در مقاله پیش‌رو سعی می‌شود کارویژه‌های مختلف احزاب و نقش آن در تأمین منافع ملی از منظر دیدگاه‌های مختلف و از جمله تأکید بر کارویژه هنجاری در جهت بررسی تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی شود.

۳. کارویژه‌های احزاب سیاسی و منافع ملی

نظام ج.ا. ایران که بر پایه قانون اساسی اسلامی اداره می‌شود، رویکرد خاصی نسبت به احزاب و نقش آفرینی آنان در عرصه سیاست و اجتماع دارند. بنابراین قانون اساسی ج.ا.

ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است" (مقدمه قانون اساسی). قانون اساسی ج.ا.ایران با وجود مکتبی بودن و مقید بودن به دین اسلام قایل به تکثر سیاسی بوده است. آنچه رویکرد قانون اساسی ج.ا.ایران نسبت به احزاب را بیان می‌کند در اصل ۲۶ آن چنین متجلی شده است: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت».

علاوه بر اصل فوق، اصول دیگری نیز وجود دارند که بر نقش آزادی مردم، گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی تأکید می‌کنند که با رعایت شروط و ضوابط قانونی و شرعی می‌توانند در عرصه سیاست نقش آفرینی کنند. به عبارتی دیگر در قانون اساسی و رویکرد برخاسته از گفتمان انقلاب اسلامی، اصل بر آزادی احزاب است، اما آزادی احزاب نیز مشروط است. آزادی احزاب مشروط به رعایت؛ "اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی" است. هر چند در ابتدای تدوین و تصویب قانون اساسی «صرف تصریح به واژه حزب و جواز آن، مانع از آن بود تا جناح‌های تندرو و حزب‌ستیز در ایران قادر به حذف کلی عنوان حزب از میدان سیاسی جامعه ما باشد» (فیرحی، ۱۳۹۶: ۴۳۷). اما قانون اساسی اصل را بر آزادی احزاب گذاشت، و البته آزادی احزاب را اصل قرار دادن، منطبق با اصول کلی حقوق نیز هست، چرا که قانون اساسی نیاستی موارد "آزادی‌ها را بیان کند، چون همیشه اصل بر آزادی است، و قانون اساسی باید محدودیت‌ها و خط قرمزها را مشخص کند. بدین ترتیب "نظام قانونی کشور باید به ترتیبی باشد که حکومت حق مهار و کنترل آزادی احزاب و اجتماعات را نداشته باشد. زیرا کوچک‌ترین اقدام محدود کننده به منزله‌ی گامی بزرگ در راه سلب آزادی مردم است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۱۴-۴۱۳). با در نظر داشتن این شرایط، احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در چارچوب قانون اساسی و رعایت شرایط مطرح شده در قانون احزاب، می‌توانند فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را در جامعه داشته باشند. فعالیت‌های آنان به اشکال زیر می‌تواند در راستای تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باشد. بدیهی است بر مبنای رویکرد هنجاری، نقض نکردن اصول و قواعد ارزشی جامعه یکی از محدودیت‌های اساسی و حتی اقدامی در راستای تأمین منافع ملی از سوی احزاب سیاسی است.

۱-۳. تبدیل تهدید به فرصت از منظر تکثر فرهنگی

مهم‌ترین کارویژه‌های احزاب سیاسی تبدیل تهدیدها به فرصت است. زیرا در کشورهایی که احزاب سیاسی جایگاه مناسبی پیدا کردند، فرهنگ خشونت و زور جای خود را به فرهنگ گفت‌وگو داده است (ایوبی، ۱۳۸۹: ۱۴). این موضوع و کارویژه مخصوصاً در جامعه چندفرهنگی، چندقومی و متکثر ایرانی از جایگاه خاصی برخوردار است. همچنان که یکی دیگر از راه‌های تأمین منافع ملی، توجه به اصل «وحدت در عین کثرت» است. بدین معنا که وجود گروه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به خودی خود نشانگر ضرورت وجود نظام تحزب در ج.ا. ایران است که هم بتواند منافع گروه‌های خاص در جامعه را تأمین نماید و هم اینکه راهی برای وحدت ملی فراهم سازد. به طور کلی می‌توان گفت حتی با وقوع انقلاب اسلامی و حرکت جهت ایجاد برابری و برادری در میان گروه‌های قومی و مذهبی ساکن در فضای کشور، با وجود اینکه نگاه به جنبه‌های فرصت‌آفرین گروه‌های قومی افزایش پیدا کرده است، اما همچنان نگاه تهدیدزا به نگاه فرصت‌آفرین برتری دارد (صالح‌آبادی و جان‌پرور، ۱۳۹۴: ۱۶۲۴). این رویه از منظر هنجاری در ضدیت با منافع ملی است. بنابراین ضرورت تغییر این نگاه تهدیدآمیز نیز دیده می‌شود. ضرورتی که همواره بر جایگاه مؤثر احزاب سیاسی در تبدیل این تهدیدها به فرصت است و هم راهکاری برای جلوگیری از فعالیت‌های مسلحانه و زیرزمینی در مناطق حساس کشور است. به نظر می‌رسد هنگامی که احزاب به شکل قابل توجهی نتوانند مطالبات گروه‌های قومی و مذهبی را در جامعه چندفرهنگی ایران پیگیری نمایند، تهدیدات گسترده‌ای متوجه منافع ملی می‌شود. به عنوان مثال، برخی گروه‌های قومی در داخل کشور که درای تعلق مذهبی و قومی به خارج از کشور هستند، گرایش‌ها و اگراییانه از خود نشان می‌دهند (احمدوند و خراسانی، ۱۳۹۶: ۱۳۹). و این واگرایی تهدید قابل توجهی علیه منافع ملی است که با تبدیل خواسته‌های معقول و پذیرفته شده این گروه‌ها در قالب حزب، می‌تواند به شکل قابل توجهی حافظ منافع ملی باشد. اصول قانون اساسی از حیث حقوقی و فرهنگی مدافع حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های سیاسی مسالمت‌جو در سطح جامعه است.

احزاب سیاسی در ج.ا. ایران از حیث ترویج فرهنگ مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌ها و جریان‌های سیاسی می‌توانند نقش مؤثری ایفا نمایند. بدین معنا که اصل ۲۶ قانون اساسی با حمایت از آزادی گروه‌های سیاسی، تنها به شرایط و قیود قانونی اشاره می‌کند و

محدودیتی برای گروه‌های سیاسی در قالب حزب قائل نشده است. به عبارتی دیگر، از آنجایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (از جمله اصل ۲۶ قانون اساسی)، محدود معینی برای فعالیت احزاب مشخص نکرده است و تنها به منع در چارچوب قیود و شرایط بسنده کرده، توسعه عرصه‌های سیاسی فعالیت احزاب با هیچ مشکل قانونی روبرو نخواهد بود (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۸). به طور کلی، حمایت از تکثرگرایی از منظر گرایش حزبی بدین معناست که زمینه‌ها برای بروز فعالیت‌های مخفیانه و زیرزمینی نیز گرفته شود. از این-رو، هنگامی که گروه‌های سیاسی مختلف بتوانند به شکل مسالمت‌آمیز و با پذیرش مبانی وحدت ملی به زندگی در جامعه ادامه دهند، تأمین منافع ملی به شمار می‌رود. بدین ترتیب احزاب سیاسی از طریق جلب مشارکت مردمی بصورت داوطلبانه توسط خود مردم با وحدت و همبستگی عمومی جامعه را به سوی وحدت، انسجام و وفاق و پابندی کامل به اصول و ارزش‌ها و تحمل مشکلات، موانع را یکی پس از دیگری از سر راه برداشته و به عزت نائل خواهد شد (باتمان قلیچ، ۱۳۸۱: ۲۳).

۲-۳. کسب قدرت در چارچوب منافع ملی و پذیرش تکثر سیاسی

احزاب، ماشینی برای انتخابات نیستند. بلکه حزبی فعال خوانده می‌شود که در زمان انتخابات فعال باشد، برنامه ارائه دهد و مقطعی و گذرا نباشد (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳: ۲۱). بنابراین فعالیت احزاب و تأثیرگذاری آشکار و محسوس آنان در فرایند انتخابات، حین و پس از انتخابات به معنای دفاع از منافع ملی در عرصه‌های داخلی و خارجی است که هم نظارتی بر عملکرد دولتمردان است و هم گامی برای تحقق اهداف روشن انقلاب اسلامی. بدین ترتیب، احزاب از جهت اینکه بتوانند انتخاباتی رقابتی، پرشور و با حضور همه گروه‌های سیاسی و سلیق اجتماعی فراهم آورند، نقش مهمی در تأمین منافع ملی ایفا می‌کنند. در این صورت است که با جذب ظرفیت‌های گسترده اجتماعی و با برآمدن از کف جامعه و خواسته‌های مردم، آموزش لازم و کافی را برای شکل‌گیری دولت مقتدر و در مسیر مطالبات انقلاب اسلامی فراهم می‌آورند. به همین ترتیب، حضور و فعالیت احزاب در زمینه انتخابات می‌تواند یکی از بسترهای مهم توسعه سیاسی را فراهم سازد (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳: ۲۲). بنابراین روشن است که با تأکید بر جنبه‌های مثبت و سازنده احزاب، از جمله در مواقع انتخابات و فراهم کردن بستر برای مشارکت مردم در عرصه‌های تصمیم‌گیری، می‌توان در جهت تقویت نظام مدیریت سیاسی و اجتماعی کشور سود جست (اخوان کاظمی، ۱۳۸۷: ۱۶۴). و منافع ملی را حراست و نگهداری نمود.

نمونه بارز پذیرش تکثر سیاسی در ج.ا. ایران به دوران حیات امام خمینی (ره) مربوط می‌شود. جایی که بنیانگذار انقلاب اسلامی، اختلاف نظر میان روحانیون را فرصتی برای اداره کشور و حل مسالمت‌آمیز اختلافات از طریق ایجاد نهادهای سیاسی نظیر حزب پذیرفته بود. شواهد تاریخی نشان می‌دهند که در سال ۱۳۶۶ و با بالا گرفتن مباحثات میان دو طیف از روحانیون، انشعابی تاریخ‌ساز صورت گرفت که تا سال‌ها صحنه سیاست ایران را تحت تأثیر خود قرار داد. گروهی از اعضای جامعه روحانیت مبارز با اجازه و تأیید امام خمینی، از آن خارج شده و مجمع روحانیون مبارز را تأسیس کردند (مهدی‌زاده و قره-چایی، ۱۳۹۲: ۹۶). این موضوع به خوبی گواهی بر پذیرش نظریات مختلف در جامعه بر مبنای تشکیل احزاب سیاسی در چارچوب قانون اساسی است. علاوه بر این، لزوم تشکیل‌های سیاسی و حزبی در میان دانشجویان و دانشگاهیان یکی دیگر از اقدامات روشن امام خمینی (ره) است که نشان از رویکرد مثبت و سازنده ایشان نسبت به مسائل سیاسی جامعه دارد. چنانچه دفتر تحکیم وحدت اصولاً یک تشکل دانشجویی است، و نام کامل آن "اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت)" است. این تشکل سیاسی در سال ۱۳۵۷ که گروهی از دانشجویان مسلمان به دیدار رهبری انقلاب، یعنی امام خمینی (ره) دیدار کردند؛ ایشان توصیه کردند که: "بروید تحکیم وحدت کنید". از آن پس همین نام (دفتر تحکیم وحدت) در راستای اجرای منویات رهبر انقلاب اسلامی برای این تشکل به کار گرفته شد (شادلو، ۱۳۸۷: ۴۷۵-۴۷۶). علاوه بر این، فعالیت‌های حزبی زنان نیز در دیدگاه مترقیانه امام خمینی (ره) نیز دیده می‌شود. از جمله مواردی که می‌توان اشاره کرد حمایت از تشکیل جمعیت زنان جمهوری اسلامی است. این جمعیت به پیشنهاد دفتر امام خمینی (ره) همراه با زنان انقلابی در سال ۱۳۶۵ رسماً تأسیس شد. اما در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۸ مجوز فعالیت خود را از کشور گرفت (ناظری، ۱۳۸۲: ۱۰۲). بنابراین حفظ سرمایه‌های انسانی و معنوی جامعه و پیاده کردن احکام اسلامی در میان آحاد جامعه اعم از مردان، زنان، دانشجویان و دانشگاهیان، کارگران و ... حاکی از توجه به منافع ملی و ضرورت حفظ آن در چارچوب سیستم تحزب است.

فعالیت احزاب جهت تأمین منافع ملی در ج.ا. ایران نیازمند قیود و شرایطی است که از جمله تلاش برای برقراری معنویت و اجرای احکام الهی را نیز در بر می‌گیرد که این رویه آشکارا از منظر هنجاری و ارتباط آن منافع ملی قابل بررسی است. آنچه اندیشه امام خمینی (ره) را نمود جدیدی نسبت به سایر دیدگاه‌های رایج درباره احزاب مطرح کرده است،

لزوم توجه به پیاده کردن احکام و معارف الهی و بسترسازی برای اجرای آنان در بخش-های مختلف جامعه اسلامی است. از این رو، حزب سیاسی تأمین کننده یک بخش از منافع ملی است که می‌توان بدان نام «حفظ و تداوم معنویات و ارزش‌های جامعه» اعطا نمود. بنابراین هرگز نباید نقش ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی را در شکل بخشیدن به منافع ملی نادیده گرفت. امام خمینی به عنوان بنیانگذار انقلاب نیز بر این عقیده هستند که کوشش آن حزب الهی این است که دعوت به خد نکند، دعوت به خدا بکند، دعوت به الهیت و ملکوت بکند... آن چیزی که لازم است برای همه افراد بشر که توجه کنند خودشان را در حزب خدا وارد کنند... این طور نیست که "حزب" بد باشد و یا هر حزبی خوب باشد، میزان ایده‌ی خوب است و اگر ایده چیز دیگری باشد، این حزب شیطان است، هر اسمی هم داشته باشد (بادامچیان، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۱). همین رویکرد توجه به منافع ملی جامعه و ضرورت تداوم و حراست از آن باعث شد تا بنیانگذار انقلاب، همواره بر نقش سازنده احزاب در تداوم انقلاب اسلامی توجه نشان دهند.

۳-۳. احزاب سیاسی و نظارت بر اجرای قراردادها

یکی از اصول پذیرفته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شفاف‌سازی قراردادها بین‌المللی است. از این جهت که بر مبنای قاعده فقهی «نفی سبیل»، قراردادها نباید به نحوی باشد که باعث سلطه بیگانگان بر اموال و منافع کشور شوند که هرچند منافع عینی را لحاظ می‌کند، اما از حیث استقلال، شرف و عزت ملی، سلطه بیگانگان را بر منافع ملی نمی‌پسندد. مستند این قاعده، آیه شریفه است که بیان می‌دارد: (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) (نساء/۱۴۱)، و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. بر اساس این قاعده، در تشریح اسلامی حکمی جعل نمی‌شود که بر پایه آن، کافر بتواند بر مسلمان سلطه یابد. هرگونه فعالیت اقتصادی و قراردادی که مستلزم تسلط کفار بر جامعه اسلامی یا فرد کافر بر مسلمان باشد، از نظر شرعی نامطلوب است و نفی می‌شود. تعیین دقیق‌تر مفاد قاعده و محدوده آن، در گرو بررسی مستندات آن است (ایروانی، ۱۳۹۳: ۷۳). در هر صورت، آثار سیاسی نظارت بر اجرای قانون به شکل نظارت بر قراردادها نیز نمایان می‌شود. از این منظر، احزاب سیاسی به شکل مؤثری می‌توانند قراردادها را دولتی با سایر کشورها را رصد نموده و مجلس را هوشیار سازند تا وظیفه نظارتی خود را به نحو مطلوبی انجام دهد. این رویه ناشی از قانونی است که در سال ۱۳۸۱، تصویب شده است. به موجب این قانون: «کلیه دستگاه‌های اجرایی

موظفند اطلاعات لازم [قراردادها] را در اختیار کمیسیون‌های مجلس قرار دهند. وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است در پایان هر سال لیست قراردادهای منعقدہ خارجی توسط دستگاههای فوق‌الذکر را با ذکر نوع قرارداد و مبلغ آن و نوع تعهد ایجاد شده تهیه و به کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارائه نماید. ماده واحده مذکور در جهت نظارت پیشگیرانه از وقوع فساد مالی در قراردادهای دولتی و به منظور حصول اطمینان از رعایت قوانین و مقررات در حوزه قراردادهای مالی با اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از داخلی و خارجی است (حسینی و موسوی بایگی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). به نظر می‌رسد وجود احزاب سیاسی در کشور و فعال بودن آنان در عرصه سیاست داخلی و خارجی می‌تواند باعث هوشیاری بیشتر در قبال قراردادهای بین‌المللی با سایر کشورها باشد و تکمیل‌کننده اصل «نفی سبیل» باشد.

از این منظر، وجود احزاب و جامعه مدنی قوی می‌تواند نقش مهمی در مسئولیت‌پذیری و پاسخگوسازی دولت‌ها، سیاستمداران، مدیران ایفا کند (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۸۱). به عبارت دیگر، نظارت احزاب بر قراردادهای به صورت غیرمستقیم از طریق شفاف‌سازی و وادار کردن دولت‌ها به اجرای اصل شفافیت و در نظر گرفتن استقلال و عزت جامعه اسلامی است. امری که هم بر مبنای قاعده نفی سبیل و هم اصول قانون اساسی امکان تحقق دارد. بدین معنا که می‌توانند از دولت مستقر، مجلس و سایر ارگان‌های فعال در عرصه سیاست بخواهند تا مطابق قانون اساسی، روند امضای قرارداد با سایر کشورها را شفاف‌سازی نموده تا در راستای منافع ملی عمل نمایند.

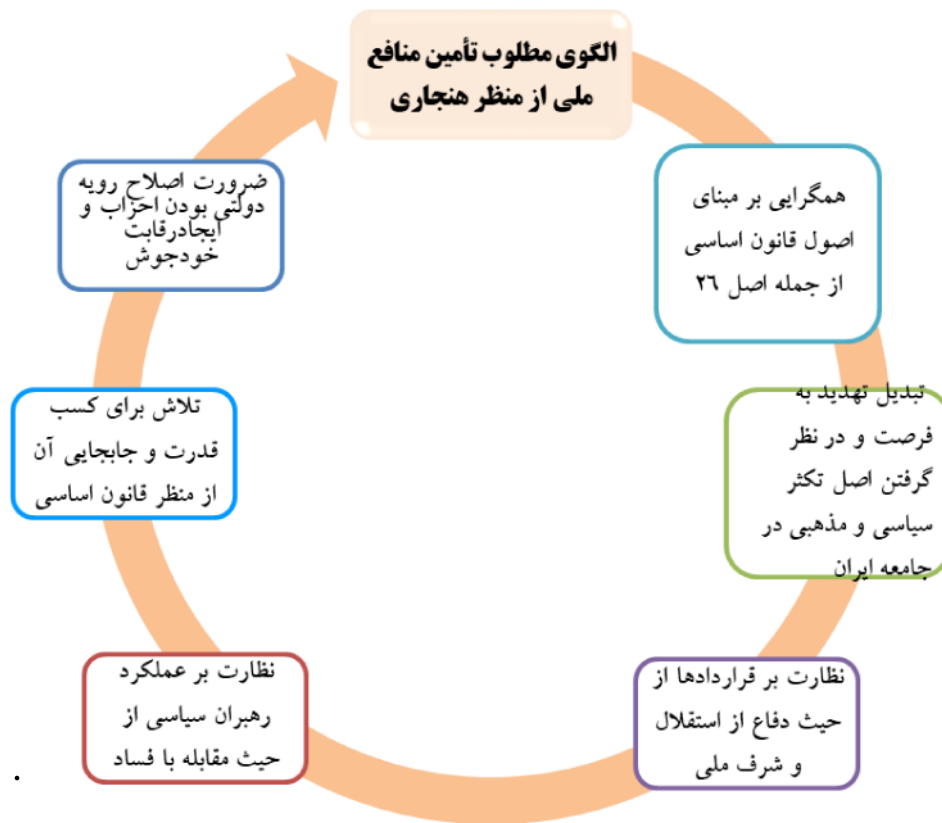
۳-۴. احزاب سیاسی و نظارت بر عملکرد دولتمردان

یکی دیگر از کارویژه‌های احزاب سیاسی، نظارت بر عملکرد دولت مستقر و جلوگیری از فساد است. این موضوع از طریق گردش قدرت میسر است. (تبریزنیا، ۱۳۷۱: ۵۶). در جایی قدرت به طور دائم در چرخش نباشد، امکان تمرکز قدرت و سپس فساد میسر خواهد شد. نظارت بر عملکرد حاکمان و سیاستمداران یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری نظام حزبی در عرصه سیاست است. این موضوع هم در قانون اساسی ج.ا. ایران و هم در سیره و رفتار امام خمینی (ره) نیز دیده می‌شود. بدین معنا که ایشان، همواره نظارت بر عملکرد سیاستمداران را به معنای واقعی آن پذیرفته و مورد توجه قرار داده است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور، نظارت کنند. اگر من پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج

گذاشتی، خودت را حفظ کن، مسأله، مسأله مهمی است. همه ملت موظفند به اینکه نظارت داشته باشند، در همه کارهایی که الان مربوط به اسلام است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۷، ۳۳-۳۴).

بنابراین یکی از راه‌های حراست از منافع ملی، نظارت بر عملکرد دولتمردان است که از نظر امام خمینی (ره)، دامنه آن تا نظارت بر ولایت فقیه نیز امتداد پیدا می‌کند. از این حیث، بنابراین احزاب با سازماندهی نظارت مردم و هدفمند ساختن آن، راهی برای جلوگیری از فساد و تمرکز قدرت و در نهایت تأمین منافع ملی محسوب می‌شوند. خصوصیتی که در اینجا مد نظر می‌باشد، ویژگی عدالت است که همواره زعیم جامعه اسلامی، طبق قانون اساسی باید واجد آن باشد. این ویژگی که از تدابیر منحصر به فردی است که از آن در نظام‌های سیاسی اسلامی برای کنترل بالاترین مقام کشوری استفاده می‌شود، مانع هرگونه سوء استفاده آن مقام از اختیارات خویش است؛ چرا که اگر رهبر جامعه اسلامی، قصد بهره‌وری از قدرت خویش در جهت منافع شخصی را داشته باشد، مسلماً مرتکب گناه کبیره شده و دیگر متصف به فضیلت عدالت و تقوا نخواهد بود و پر واضح است که در این صورت، مجلس خبرگان به برکناری وی اقدام خواهد نمود (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۷۸). بنابراین دامنه نظارت در فقه اسلامی و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) به قدری وسیع و گسترده است که می‌تواند صفات حاکم اسلامی را تحت نظارت خویش قرار دهد. در این باره، سخن حضرت امام (ره) جالب توجه به نظر می‌رسد که می‌فرماید: «اگر فقیهی بخواهد زورگویی کند از ولایت ساقط می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۲۹). «اگر ولی فقیه یک کلمه دروغ بگوید، یک قدم بر خلاف بگذارد، آن ولایت را دیگر ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۷). به نظر می‌رسد سازوکار نظارت بر این رویه بر عهده احزاب و توجه به اصل عدالت و حفاظت از آن بر مبنای آموزه‌های انقلاب اسلامی و مواد قانون اساسی است. ضمن اینکه قانون اساسی با لحاظ نمودن شرایط مناسب برای دخالت شهروندان در اداره امور حکومت، زمینه را برای تقویت تحزب در کشور فراهم می‌آورد. امری که در نهایت منافع ملی را سرلوحه اعمال خود قرار می‌دهد و نظارت را وظیفه همه شهروندان دولت اسلامی تلقی می‌کند (نیکونهاد، ۱۳۸۹: ۳). موارد اخیر نشان دهنده اهمیت مبارزه با فساد، نظارت بر قدرت و سازوکارهای تعدیل قدرت در جامعه اسلامی است. نقشی که در شرایط کنونی توسط احزاب سیاسی قابلیت تحقق دارد. در شکل زیر این الگو به شکل متعامل نشان داده شده است:

شکل شماره ۱: الگوی مطلوب تأمین منافع ملی



نتیجه‌گیری

بر مبنای بررسی پژوهش حاضر، نقش احزاب سیاسی در تأمین منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران مؤثر و انکارناشدنی است. از این منظر این فرضیه قابل تأیید است که احزاب سیاسی از منظر هنجاری می‌توانند نقش مؤثری در ترویج اندیشه‌ها و ارزش‌های مذهبی

جامعه ایرانی در بر داشته باشند؛ احزاب می‌توانند باعث جابجایی قدرت در جامعه اسلامی شوند؛ امکان نظارت دقیق بر فرایند جابجایی قدرت را میسر می‌سازند؛ نهادها و قوای مختلف را برای نظارت بر قراردادهای بین‌المللی و رعایت قاعده نفی سیل هوشیار می‌سازند؛ جامعه، دولت و نظام سیاسی مستقر را برای مقابله با فساد و شفاف‌سازی تشویق و یا اجبار می‌کنند. از این منظر موارد فوق نشانگر رعایت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر کارویژه‌های احزاب سیاسی است. احزاب سیاسی از طریق مشارکت در قبل، حین و پس از انتخابات، مطرح کردن ارزش‌های جامعه در قالب سیاست‌های اجرایی، حمایت از اصل تکثرگرایی، نظارت بر عملکرد دولتمردان و دفاع از تنوع قومی-مذهبی در جامعه ایرانی به عنوان عاملی مهم در تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران ایران ایفای نقش می‌کنند. از جهت داخلی، نقش احزاب سیاسی در تأمین منافع ملی حائز اهمیت و همچنین لزوم بازبینی در نظامنامه احزاب سیاسی و تبدیل آنان به احزابی واقعی برای ساماندهی امور سیاسی جامعه بر مبنای گفتمان انقلاب اسلامی است. بهره‌مندی از نظریه هنجاری برای تبیین و تشریح کارویژه‌های احزاب سیاسی در جهت تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نشان دهنده این مطلب است که با توجه به تأثیرگذاری احزاب بر دفاع، حمایت و تأمین منافع ملی، ضرورت توجه به نظام حزبی در کشور امری شایسته است. ضمن اینکه، منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران، برخلاف آنچه در سیاست معاصر می‌گذرد، محدود به اعمال مادی نیست و می‌تواند شامل ابعاد معنوی نیز باشد. بنابراین حزب گرایی در ایران از دو جهت، بر تأمین منافع ملی تأکید می‌کند؛ اول اینکه، با پایبندی به مفاد دینی مندرج در قانون اساسی، شرایط و ضوابط لازم برای فعالیت در جمهوری اسلامی ایران را به دست می‌آورد، دوماً، منافع ملی شامل ابعاد معنوی و ارزشی جامعه نیز می‌شود که به نوبه خود فصل‌جدیدی از کارکرد احزاب را به ما نشان می‌دهد. به این دلیل که بخش مهمی از مطالبات جامعه، اهداف و ابزار توسعه و همچنین دستیابی به منافع اکثریت جامعه از دل باورهای دینی نشأت می‌گیرد.

منابع و مأخذ:

- احمدوند، ولی محمد، خراسانی، رضا (۱۳۹۶)، امکان‌سنجی
تجزیب در جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه سیاست متعالیه**،
سال پنجم، شماره هفدهم، صص ۱۵۴-۱۳۷.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۷)، تجزیب در اندیشه رهبران جمهوری
اسلامی، **فصلنامه حکومت اسلامی**، سال دوازدهم، شماره
چهارم، صص ۱۷۳-۱۵۹.
- استوگر، جری و دیوید مارش (۱۳۷۸)، **رهیافت و روش در
علوم سیاسی**، امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: انتشارات
پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اشرفی خیرآبادی، حمید (۱۳۹۰)، **احزاب ایرانی**، تهران: نشر
افراز.
- ایروانی، جواد (۱۳۹۳)، **آشنایی با اقتصاد اسلامی**، مشهد:
انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ایوبی حجت الله (۱۳۸۹)، **پیدایی و پایایی احزاب سیاسی
در غرب**، تهران: انتشارات سروش.
- باتمان کلیچ، فرویر (۱۳۸۱)، **نظام مشارکت زیربنای مدیریت
اسلامی**، تهران: انتشارات نشر امیدوار.
- بادام‌چیان، اسدالله (۱۳۹۰)، **تجزیب و تشکل از دیدگاه علمی
و تاریخی**، تهران: انتشارات اندیشه ناب.
- پول، برینگ، آلموند، گابریل (۱۳۷۵)، جامعه‌پذیری سیاسی و
فرهنگ سیاسی: برینگ پول و گابریل آلموند، ۱۳۷۵، ترجمه
علیرضا طیب، **مجله سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۱۳ و ۱۱۴.
- تبریزینا، حسین (۱۳۷۱)، **علل ناپایداری احزاب سیاسی در
ایران**، تهران: انتشارات مرکز بین‌المللی.
- جهانگیر، زهرا و کاوه پیشقدم محمد کاظم (۱۳۹۶)، نقش احزاب
در توسعه سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مفهوم
مشارکت سیاسی (۹۲-۱۳۷۶)، **رویکردهای پژوهشی در
علوم اجتماعی**، سال سوم، شماره شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، **ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و
عدالت**، قم: نشر اسراء.
- چگینی، غلامرضا (۱۳۷۵)، **طرح‌ریزی استراتژیک نظامی**،
تهران: انتشارات دعا.
- حسینی، سید حسین، موسوی بایگی، علی (۱۳۹۰)، نهادهای
نظارتی حاکم بر قراردادهای مالی دولتی و چالش‌های آن،
دوفصلنامه اقتصاد بولی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۲۱.
- دوورژه موریس (۱۳۸۵)، **رؤییم‌های سیاسی**، ترجمه
ناصرصدرالحفاظی، انتشارات سازمان کتاب‌های جیبی.
- دوورژه موریس (۱۳۸۶)، **اصول علم سیاست**، ترجمه ابوالفضل
قاضی، تهران: انتشارات میزان.
- زیباکلام، صادق، مقتدایی، مرتضی (۱۳۹۳)، احزاب سیاسی و
نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات،
- فصلنامه علوم سیاسی**، سال دهم، شماره بیست و نهم،
ساعی، احمد (۱۳۹۰)، **تحلیل فازی اعتماد اجتماعی**، تهران:
نشر جامعه و فرهنگ.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۰)، **درآمدی بر جامعه‌شناسی
سیاسی**، تهران: نشر میزان.
- شادلو، عباس (۱۳۸۷)، **احزاب و جناح‌های سیاسی ایران
امروز**، تهران: انتشارات وزرا.
- صالح آبادی، ریحانه، جان‌پرور، محسن (۱۳۹۴)، فرصت‌های ناشی
از حضور قومیت‌ها در جمهوری اسلامی ایران، **مجموعه
مقالات هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران؛
همدلی اقوام ایرانی؛ انسجام و اقتدار ملی**، کردستان،
سنندج، دانشگاه سنندج، صص ۱۶۳۷-۱۶۱۸.
- صالحی، جواد، رضوی مرقع، کاظم (۱۳۹۷)، منافع ملی در چشم-
انداز نظری، **فصلنامه پژوهش سیاسی و بین‌المللی**، سال
هشتم، شماره سی‌ام، صص ۱۵۰-۱۲۵.
- عالم عبدالرحمن، (۱۳۹۰)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷)، احزاب از منظر قانون اساسی و
سایر مقررات حاکم، در کتاب **مجموعه مقالات همایش
تجزیب و توسعه سیاسی**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت
خارج.
- فیرحی، داود (۱۳۹۶)، **فقه و حکمرانی حزبی**، تهران: انتشارات
نی.
- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۲)، نظریه‌های جاری و چالش‌های پیش‌روی
آن در دنیای جهانی شده، **مجله گفتمان**، شماره ۸، صص ۹۴-۶۸.
- کروتی ویلیام و اس. کاتز ریچارد (۱۳۹۵)، **دانشنامه سیاست
حزبی**، ترجمه محسن میر دامادی و سید علیرضا بهشتی شیرازی،
تهران: انتشارات روزنه.
- مهدی‌زاده، علیرضا، قره‌چایی، فاطمه (۱۳۹۲)، **۱۵ خرداد ۱۳۴۲
چرا و چگونه**، تهران: انتشارات امروز و فردا.
- مهدی‌زاده، مهدی (۱۳۸۶)، **مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی
احزاب سیاسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی
ایران**، دفتر مطالعات حقوقی، شماره مسلسل، صص ۴۴-۱.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، **صحیفه امام**، جلد ۱۵، تهران:
موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ناظری، محمدرضا (۱۳۸۲)، **شناسنامه احزاب سیاسی ایران**،
تهران: انتشارات پارسایان.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۳)، **احزاب سیاسی و گروه‌های ذی-
نفوذ**، تهران: انتشارات قومس.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱)، **احزاب سیاسی و نظام‌های
حزبی**، تهران: نشر گستره.
- نیکونهاد حسین (۱۳۸۹)، **ولایت مطلقه و حاکمیت قانون در**

Ball, Alen (1951), **Modern Politics and Government**: Alen R.Ball, London, Oxford University, Press. .

نظام حقوق اساسی ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). **حقوق بشر و آزادی‌های**
اساسی، تهران: انتشارات میزان.
Oxford Advanced Learners Dictionary,
Published by, Oxford University Press, 7th
edition.